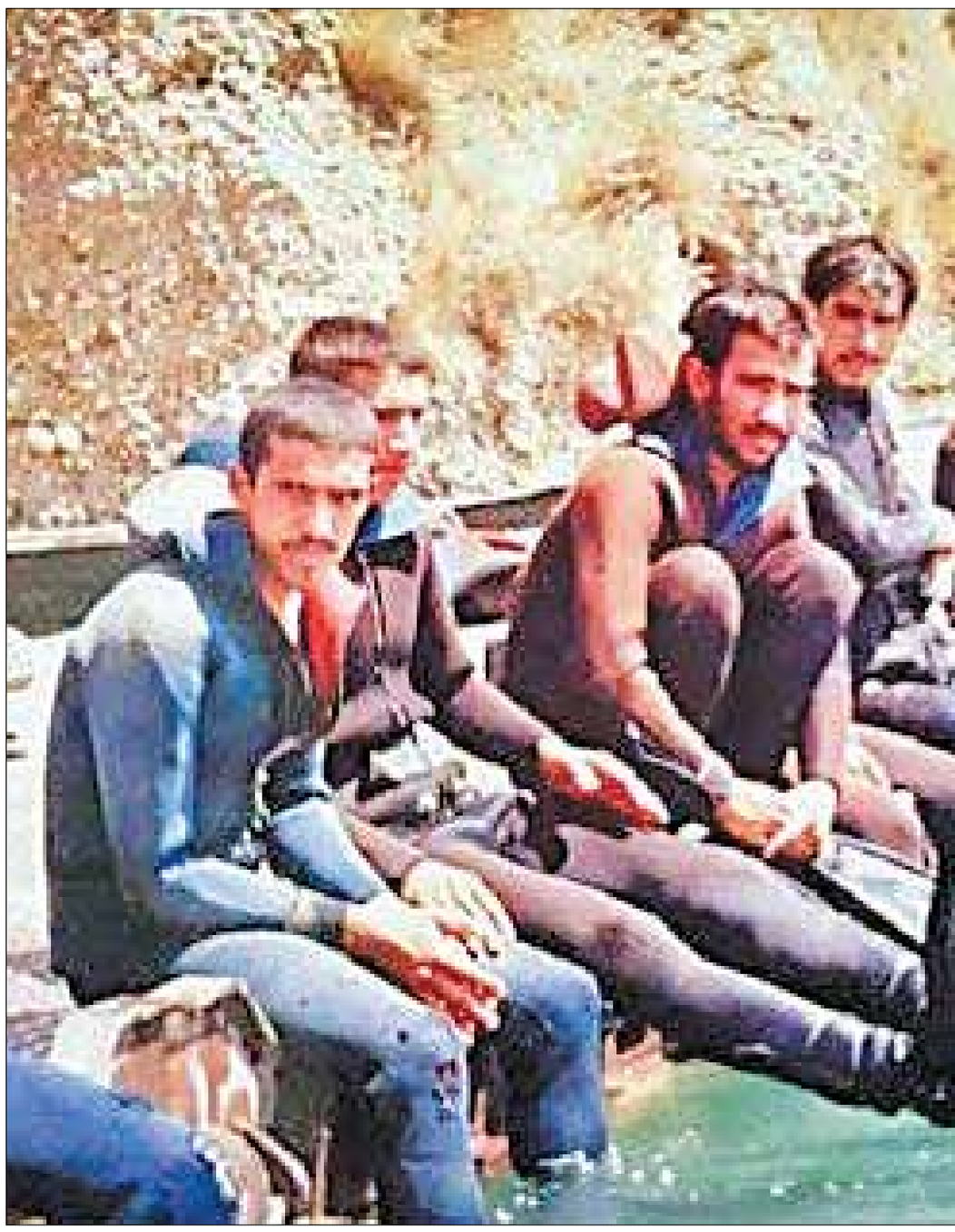

رزمندگان تخریب چی لشکر ۷ ولیعصر (عج) در عملیات کربلای ۴

سردار غلامپور:
ماهواره‌های کشورهای پیشرفته اروپایی و امریکایی به رژیم بعث اطلاعات می‌دادند؛ یعنی وقتی یک ستون نظامی ما از اهواز حرکت می‌کرد، خبرش را به دشمن می‌دادند. بنابراین طبیعی بود که حرکت ما برای دشمن تا حدودی کشف شده باشد، اما این منحصر به کربلای ۴ نبود

سردار نائینی:
خوشبختانه فایل صوتی صحبت‌های فرماندهان در عملیات کربلای ۴، نوار صوتی هدایت این عملیات و گزارش راویان در صحنه موجود است که مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس بتدریج این اسناد را منتشر می‌کند. با وجود این، بعضی فرماندهان به بیان برخی روایت‌ها پرداخته‌اند که ممکن است منطبق بر اسناد نباشد

یدالله ایزدی:
در سال ۱۳۶۵ که عملیات کربلای ۴ آغاز شده و تا کربلای ۸ تداوم پیدا کرد (در طول سه ماه) حدود ۱۰۰ راوی در کنار فرماندهان قرار گرفتند که حداقل ۳۰ نفر آنها را پشتیبانی و مدیریت می‌کردند؛ یعنی یک تیم ۱۳۰ نفره تکمیل شد که اینها قبلاً آموزش دیده بودند و آنچه را اتفاق افتاده بود، جمع‌آوری کردند.

ایزدی: یک پدیده استثنایی در طول جنگ ایران و عراق اتفاق افتاد و آن هم ثبت و ضبط تاریخ جنگ بود. مرحوم حاجی محمدزاده در سال ۱۳۶۰ به‌عنوان مسئول دفتر سیاسی جنگ و عضو شورای فرماندهی سپاه این ایده را به‌عنوان واحد جنگ در دفتر سیاسی با فرماندهان در میان گذاشت. او با آینده‌نگری، پیگیری و تلاش‌های بسیار، رضایت فرماندهان را برای حضور یک راوی در کنار خودشان جلب کرد. در این میان شهید حسن باقری بیشترین کمک‌ها را در تحقق این هدف داشت. او در متقاعدسازی فرماندهان کمک فراوانی کرد. بتدریج فرماندهان راضی شدند تا جلسات زمان جنگ با وجود طبقه‌بندی بالای جلسات، ضبط و مشاهدات، توسط راویان نوشته شود. آقای محسن رضایی هم به‌عنوان فرمانده سپاه اهتمام جدی داشت. بتدریج تمام فرماندهان قرارگاه‌ها و لشکرها پذیرفتند در تمام جلسات، حتی جلسات ۲ نفره مکالمات ضبط شود. به همین منظور نحوه ثبت و جمع‌آوری وقایع و حوادث به افراد که بعداً عنوان راوی گرفتند، آموزش داده شد و آنها هم در کنار فرماندهان در قرارگاه‌ها، لشکرها و تیپ‌های مستقل در مناطق عملیاتی حضور کامل داشتند.

راویان، متناسب با هر عملیاتی در کنار فرماندهان از همان ابتدای طرح‌ریزی و آماده‌سازی عملیات‌ها حضور داشتند. گزارش‌های نبردها و مباحث جلسات را از جمله: وضعیت دشمن، وضعیت منطقه عملیات، سازمان رزم، طرح مانور، چگونگی تحقق اهداف نبرد، سازماندهی مردمی، مباحث پشتیبانی، مهندسی، تأمین مهمات و حتی لباس و آذوقه رزمندگان را ضبط یا یادداشت کرده‌اند و تمام این جلسات ضبط شده است. علاوه بر آن مکالمات بی‌سیم و صوت‌های هدایت عملیات هم ضبط شده است. راوی همه مشاهدات خودش را نوشته و هر جایی هم که لازم بوده با فرمانده گفت‌وگوهای تکمیلی انجام داده و در نهایت برای هر عملیاتی یک گزارش عملیات وجود دارد که حاصل این کار جهادی منحصر بفرد، گنجینه‌ای است که شامل ۴۰ هزار نوار صوتی، ۱۲۰۰ دفتر راوی، ۸۰۰ گزارش عملیات و میلیون‌ها ورق اسناد نظامی متنوع از دستنوشته‌های بسیار ویژه فرماندهان و مکالمات آنها و مجموعه متنوعی از برآوردهای اطلاعاتی، عملیاتی، نشریات و بولتن‌های ویژه، کالک‌ها و نقشه‌های عملیاتی است.

> وقتی شما کربلای ۴ را در اینترنت جست‌وجو می‌کنید، یک عملیات تلخ، پرتلفات، بدون تدبیر و لورفته از قبل تصویرسازی شده است که صد درصد غلط است. اسناد مرکز تحقیقات و دفاع مقدس می‌گوید که عملیات کربلای ۴ در سطح هوشیاری بسیاری از عملیات‌ها بوده است. شرایط فرماندهی همان است. فرمانده با ۶ سال تجربه جنگ وقتی به خط زد و متوجه شد که در محور اصلی، دشمن هوشیار و حساس است، عملیات را متوقف کرد و بسرعت ابتکار عمل را به دست گرفت. از ۳۰۰ گردان تنها ۴۵ گردان وارد عمل شدند و با این تدبیرش، شرایط جنگ کاملاً تغییر پیدا کرد

ایزدی: برای اولین بار در عملیات طریق‌القدس مکالمات و شنود در شکل اولیه ضبط و ثبت شد. از عملیات فتح‌المبین تا پایان جنگ، افرادی در کنار فرماندهان از قرارگاه‌های اصلی تا تیپ‌های مختلف قرار می‌گرفتند. از قبل عملیات، تمام جلسات، مذاکرات، گفت‌وگوی موردی و حتی حرف‌های درگوشی، اسناد و مدارک، ابلاغیه‌ها و غیره جمع‌آوری می‌شد. بعد از عملیات خیبر، بیشتر قرارگاه‌ها راوی مستمر داشت. بنابراین در عملیات کربلای ۴ می‌بینیم در اولین روزهایی که جرقه شکل‌گیری عملیات خورد، آقا محسن راوی پیوسته دارد؛ یعنی همه اطلاعات، جلسات، مذاکرات و گفت‌وگوها همه ثبت و ضبط شده است.

در سال ۱۳۶۵ که عملیات کربلای ۴ آغاز شده و تا کربلای ۸ تداوم پیدا کرد (در طول سه ماه) حدود ۱۰۰ راوی در کنار فرماندهان قرار گرفتند که حداقل ۳۰ نفر آنها را پشتیبانی و مدیریت می‌کردند؛ یعنی یک تیم ۱۳۰ نفره تکمیل شد که اینها قبلاً آموزش دیده بودند و آنچه را اتفاق افتاده بود، جمع‌آوری کردند. در عملیات کربلای ۵، پنج نفر از راویان جنگ به شهادت رسیدند؛ سیدمحمد اسحاقی، علی فتحی، محمدرضا ملکی، سیدمحمد کرکانی و حمید صالحی. این شهدا در طول این دوره ۲۱۲ تا دفتر مخصوصی که تهیه شده بود، مشاهدات خودشان را از محیط پیرامونی جدا از محتوای جلسات نوشتند و ۵۶ گزارش عملیات را بلافاصله پر کردند. ۴ هزار و ۴۷۱ نوار در این دوره ضبط شده است که مربوط به اواخر ماه اول سال ۱۳۶۵ مذاکرات خاتم تا پایان عملیات و بیش از ۹۰۰ کالک و نقشه و ده‌ها هزار سند که مکاتبات، ابلاغیات و دستورالعمل و حتی نامه‌های شخصی جمع‌آوری شده است. در واقع هیچ سندی درباره عملیات کربلای ۴ و ۵ فروگذار نشده است، الا منابعی که در مشاهدات راوی نبوده که باید به بخش مردمی جنگ رجوع کرد.

سردارنائینی: همان طور که گفته شد، خوشبختانه فایل صوتی صحبت‌های فرماندهان در عملیات کربلای ۴، نوار صوتی هدایت این عملیات و گزارش راویان در صحنه موجود است که مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس بتدریج این اسناد را منتشر می‌کند. با وجود این، بعضی از فرماندهان با گذشت ۳۵ سال از عملیات کربلای ۴ به بیان برخی روایت‌ها درباره این عملیات پرداخته‌اند که ممکن است منطبق بر اسناد نباشد. این موارد ناشی از تحریف عملیات کربلای ۴ نیست، بلکه ناشی از فراموشی برخی جزئیات حادثه است. بنابراین روایت فرماندهان در صورتی مستند است که اسناد موجود، آن را تأیید کند. این در حالی است که فرمانده‌ای که در عملیات کربلای ۴ حضور داشته، ممکن است اطلاعاتی از دیگر قرارگاه‌ها و سایر فرماندهان آن روزها نداشته و با بی‌خبری به تحریف کلیات بپردازد که در واقع این نوع پرداختن‌ها، پرداختن‌های دقیق نمی‌تواند باشد.

■ **باتوجه به اینکه دشمن در کربلای ۴ هوشیار بوده و در اصطلاحی غلط تحت عنوان «لو رفتن عملیات» از آن یاد می‌شود، آیا تصمیم به آغاز عملیات درست بوده؟**

سردار غلامپور: درباره انجام این عملیات، بسیاری از پارامترها باید انجام می‌شد تا برای آغاز عملیات پای کار بیاییم. برآورد ما این بود که ۹ تا ۱۲ ماه طول می‌کشد که آماده عملیات شویم. در این مرحله شواهد و قرائنی وجود داشت که نشان می‌داد دشمن نسبت به عملیات هوشیار شده است. در برخی عملیات‌های گذشته هم این اتفاق افتاده بود. این موضوع تازه و جدیدی نیست که در کربلای ۴ اتفاق افتاده باشد. اینجا شواهد و قرائن درباره لو نرفتن بر شواهد و قرائن لو رفتن عملیات غلبه می‌کرد. اینکه دشمن یکسری اقدامات را انجام دهد، طبیعی است. بالاخره این همه تیپ و لشکر در یک منطقه محدود جمع شدند، دشمن متوجه می‌شود. در عملیات کربلای ۴، دشمن در سه فاز زمین، زمان و مکان موفق نشد، الا در یک محور آن هم قرارگاه قدس که دشمن در اینجا در فاز زمین جلوی ما ایستاد.

در عملیات کربلای ۴، دشمن در شلمچه شکست خورد. در اینجا دژ شلمچه کامل سقوط کرد؛ دژی که می‌گفتند غیر قابل عبور است. عامل اصلی که ما بلافاصله عملیات کربلای ۵ را در تکمیل عملیات کربلای ۴ انجام می‌دهیم، همین است. عملیات کربلای ۴ محدوده‌ای از جزیره مینو تا شلمچه است. فرمانده بنا به دلایلی متوجه شد که در محور اصلی دچار مشکل شد. بلافاصله وقتی از منظر دشمن، در آنجا شکست خوردید یا در موضع ضعف قرار گرفتید، این یک هنر بزرگ است که فرمانده شرایط را تغییر دهد و ابتکار عمل را در اختیار خودش بگیرد. ما سالی یک بار عملیات انجام می‌دادیم و دشمن به خیال خودش چون ایران شکست خورده است، عملیات بعدی موکول به سال ۱۳۶۶ شد. به همین خاطر، بیشتر نیروهایش را به مرخصی فرستاد. مجدداً ایران، ۱۰ تا ۱۵ روز بعد با همان نیروها، عقبه‌ها، تجهیزات و طرح‌ریزی در همان نقطه عملیات کربلای ۵ را انجام داد.

سردار نائینی: ارتش عراق کاملاً می‌دانست که ما در سال ۱۳۶۵ عملیاتی را در جنوب انجام می‌دهیم. این تجربه را در ۶ سال جنگ داشت و ما هم محدود به این منطقه بودیم. طبق تجربه عملیات‌های قبل، این گونه نبود که دشمن حساسیت نداشته باشد. دشمن بالاخره حساسیت دارد و می‌داند فصل عملیات بزرگ و گسترده ما چه زمانی است. منطقه را تقویت می‌کند. کار مهندسی جدید انجام می‌دهد. نکته دیگر وقتی فرمانده تصمیم به عملیات می‌خواهد بگیرد همه برآوردهای اطلاعاتی را دارد که شامل قرارگاه‌ها و یگان‌هاست. از عمق اطلاعی نداریم؛ یعنی وقتی می‌توانیم بگوییم عملیاتی بزرگ و گسترده لو رفته است که بدانیم در ذهن ستاد فرماندهی ارتش عراق چه می‌گذرد. وقتی در عملیات کربلای ۴ در خط عراق تک می‌زنیم، در آنجا مشخص می‌شود که عملیات لو رفته است. بعد از رسوایی امریکایی‌ها در ماجرای مک فارلین که حیثیت امریکایی‌ها در منطقه زیر سؤال رفت، تمام ظرفیت‌هایشان را برای کمک به ارتش عراق به صحنه آوردند. امریکا، یک گروه ۱۶ نفره را وارد عراق کرد. اطلاعات حضور و تغییر و تحول یگان‌های ما را امریکا تمام و کمال در اختیار عراق قرارداد. پس کمک اطلاعاتی هواپیماها و رادارها و ماهواره‌ها خیلی مهم است.

وقتی شما کربلای ۴ را در اینترنت جست‌وجو می‌کنید، یک عملیات تلخ، پرتلفات، بدون تدبیر و لورفته از قبل تصویرسازی شده است که صد درصد غلط است. اسناد مرکز تحقیقات و دفاع مقدس می‌گوید که عملیات کربلای ۴ در سطح هوشیاری از عملیات‌ها بوده است. شرایط فرماندهی همان است. فرمانده با ۶ سال تجربه جنگ وقتی به خط زد و متوجه شد که در محور اصلی، دشمن هوشیار و حساس است، عملیات را متوقف کرد و بسرعت ابتکار عمل را به دست گرفت. از ۳۰۰ گردان تنها ۴۵ گردان وارد عمل شدند و با این تدبیرش، شرایط جنگ کاملاً تغییر پیدا کرد. ماه‌های پایانی سال ۱۳۶۵ یک تک یا یک عملیات است. در اینجا گزارشی از آمار مجروحان و شهدای عملیات کربلای ۴ را ارائه می‌دهم. مرکز تعاون جنوب که پیکر شهدا به آنجا منتقل می‌شد، آمار شهدای عملیات کربلای ۴، شهید پاسدار، شهید بسیجی و شهید سرباز را ۹۹۲ نفر اعلام کرده است. تعداد مجروحان هم ۱۱ هزار و ۱۲۲ نفر است.

ایزدی: البته اسناد مرتبط با عملیات کربلای ۴ از ابتدای جرقه این عملیات تا انتهای آن کاملاً موجود است. طبق اسناد موجود مرکز، روز پنجشنبه ۲۵ آبان ماه سال ۱۳۶۵ محمد پیشبهار، معاون پشتیبانی سپاه گزارشی را از روزهای ابتدایی ماه آبان در منطقه عمومی کربلای ۴ ارائه داد: برآیند اطلاعاتی که از نقاط مختلف جمع کردیم، دشمن نسبت به این منطقه حساس معمولی است. منظور معاون پشتیبانی سپاه این بود که ۲ ماه مانده به آغاز عملیات کربلای ۴ دشمن در حال نگهداری از خطوط اش است و دقت دارد ما چه رفتاری از خودمان نشان می‌دهیم. این در حالی است که قبل از عملیات کربلای ۴، سه ملاقات میان فرماندهان با مسئولان کشور صورت گرفت. در روز جمعه ۱۴ آذر ماه سال ۱۳۶۵ فرماندهان به تهران آمدند تا به رئیس‌جمهور و مجلس گزارشی از فعالیت‌های خود بدهند.

■ **شمخانی ۲۰ روز قبل از عملیات کربلای ۴ به هاشمی چه گفت؟**

ایزدی: در اینجا آقای شمخانی گزارشی را به آقای هاشمی می‌دهد که بعد از والفجر ۸، دشمن احتمال عبور غواصان ما از اروند را می‌دهد. بنابراین نسبت به اروند هوشیار است و دشمن احتمال حمله ما از جزیره مینو را می‌دهد. چهارشنبه ۱۹ آذرماه، پنج روز بعد از این جلسه، آقای هاشمی به اهواز می‌آید که عمدتاً گزارش‌ها درباره پیشرفت کار است. آقای محمد باقری گزارشی می‌دهد که وضعیت عراق در جنوب، یعنی از مهران تا فاو، عادی است. یعنی کمتر از ۲ هفته از آغاز عملیات، فهم و تحلیل فرماندهان این است که نسبت به چیز مهمی که باید اقدام ویژه‌ای کرد، وجود ندارد. اما وقتی داریم به عملیات نزدیک می‌شویم، طبیعتاً یک تمرکز رفتار داریم که بخشی از امکانات به مرور بیشتر می‌شود که بخشی از آن پدافندی است.

در جلسه روز سه‌شنبه ۲۵ آذرماه سال ۱۳۶۵ در قرارگاه خاتم، آقای رشید می‌گوید: اگر دشمن متوجه رفتار ماست، چرا اینجا را با آتش زیرورو نمی‌کند؟ یعنی منطق فرماندهان ما این است که اگر هوشیار باشد باید یک رفتار متفاوت بزند. حتی رشید می‌گوید: شاید سیاست دشمن عوض شده و با سکوتش می‌خواهد ما را غافلگیر کند. عموم فرماندهان حرف رشید را می‌شنوند، اما منطقش را رد می‌کنند. در روز سوم دی ماه در قرارگاه خاتم سپاه، جلسه آخرین جمع‌بندی‌ها صورت گرفت. راوی مطرح کرده است: اظهارات مطرح شده در ساعت ۱۱ صبح روز سوم دی ماه حکایت از این دارد که اخبار رسیده از فعالیت‌های دشمن به گونه‌ای نیست که به ارزیابی دقیق از هوشیاری او بینجامد. بنابراین تا این هنگام تصور می‌شود دشمن در آمادگی و هوشیاری کامل به سر نمی‌برد، اما این نگرانی در فرماندهی قرارگاه قدس (عزیز جعفری) و فرمانده یگان‌هایش بیشتر بود. آنچه در اردوگاه جمهوری اسلامی ایران در کربلای ۴، مبنی بر آگاهی دشمن یا به اصطلاح لو رفتن عملیات گفته می‌شود، مربوط به بعد از انجام عملیات است. اینها که تعمیم می‌دهند، به دروغ می‌گویند؛ چرا که اسناد، این موارد را تأیید نمی‌کند.